

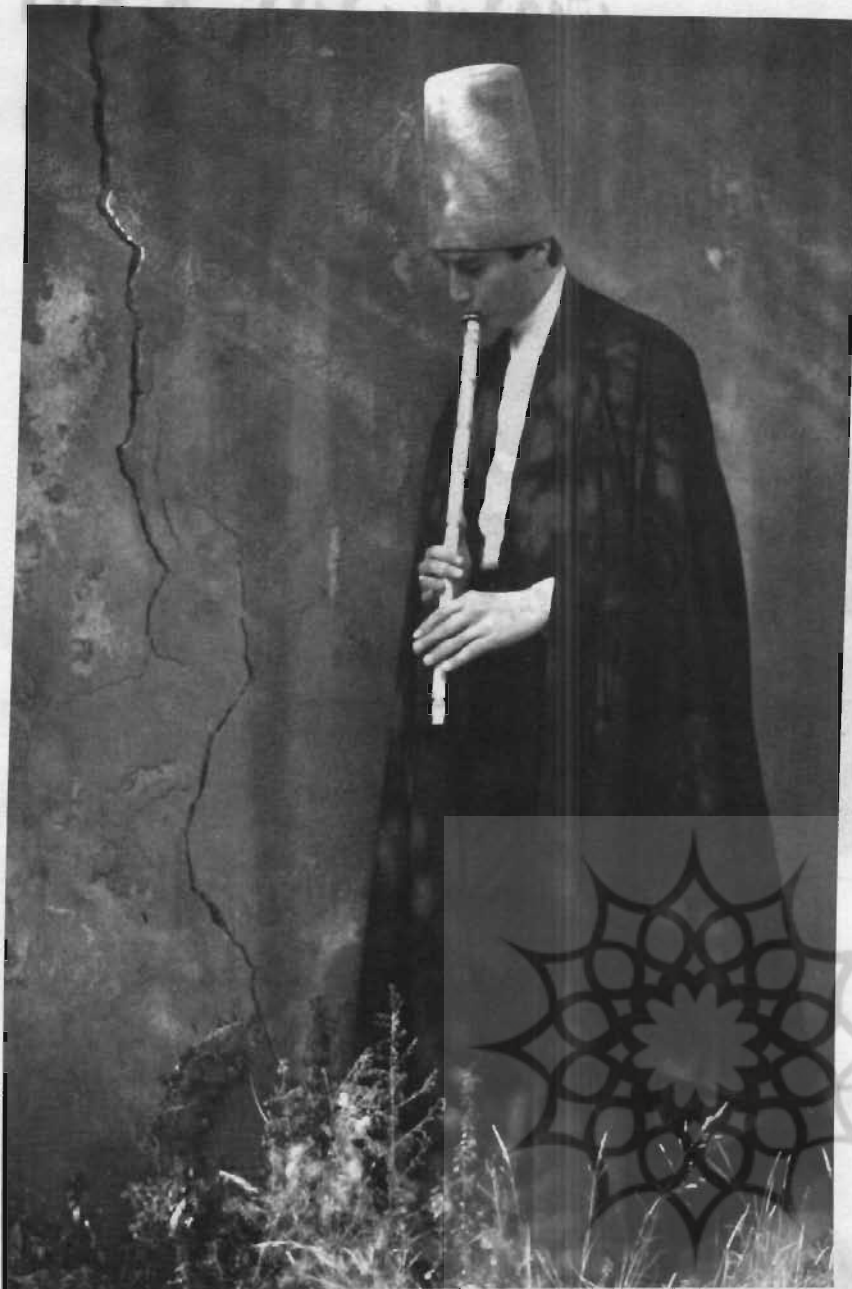
سلوک عارف

قدسی ارگونر



صحنه‌ای از فیلم مولوی (۱۹۷۰).
اثر پیرماری گوله، در مضمون
طریقت اخوت دراویش مسلمان
که در قرن هفتم هجری قمری
(سیزدهم میلادی)
توسط جلال‌الدین مولوی تأسیس شد.

نوازنده صوفی نغمه‌هایش را از چشمه سکوت برمی‌گیرد



سکوت سرچشمه‌ای است که نغمه‌های نوازندگان صوفی از آن مایه می‌گیرد. از این نظر، نوازنده صوفی به زمین آستن می‌ماند. او نمی‌داند چه وقت، یا چه چیز سر بر خواهد آورد، اما نمی‌گذارد که آن «دم» از دست برود؛ او باید هنگام جوانه زدن بذر در آنجا حضور داشته باشد.

به همین ترتیب، هیچکس از پیش نمی‌داند که از بذر نهان در درونش چه چیز جوانه خواهد زد. تنها آوای نی سیمای آن دیگری را، که نفس حقیقی فرد است، فاش خواهد کرد. آوای نی در درون ما زخمی کهنه را تازه می‌کند که به گذشته تعلق دارد، یعنی به زمانی که با گیاه، سنگ، آب و ستاره یگانه بوده‌ایم. یاد این روزگار وصل در هنگام زادن از خاطر زوده می‌شود. اما هنگامی که در سکوت، نخستین نغمه‌های نی به گوش می‌رسد، خاطره‌ها جان می‌گیرند و این وطن از دست‌رفته فریاد می‌آید.

مولوی، عارف بزرگ قرن هفتم هجری قمری (سیزدهم میلادی)، می‌گوید:

ما همه اجزای آدم بوده‌ایم

در بهشت آن لحنها بشنوده‌ایم
گرچه بر ما ریخت آب و گل شکی

یادمان آمد از آنها چیزیکی

بنا به سنت اسلام، نی این قدرت را دارد که بر حافظه فرمان راند، زیرا قلم نی نخستین چیزی است که خداوند خلق فرمود. نی، همچون انسان، از ریشه‌اش، در نیستان کنار آبگیر، بریده شده است. نی، از زبان مولوی شکوه می‌کند:

کز نیستان تا مرا ببریده‌اند

از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

چنین است که نی همزاد انسان می‌شود. این هر دو زخمهایی بر سینه دارند و پیوندهایی در درون. هر دو میان نهدی و خشکیده‌اند، زیرا که دیگر خاک تغذیه‌شان

دریوش نی‌زن. *شیراز و مطالعات شرقی*
نمی‌کند. هر یک بدون دیگری خاموش و بی‌صداست. نی برای نواختن ساخته می‌شود و تنها با لبان نوازنده جان می‌گیرد. نی نواز، با شنیدن نوای آن، ارتعاش ناشیندنی فلابک را احساس می‌کند و زمانی را به یاد می‌آورد که با حرکتی آن در پیوند بود - زمانی که بی‌هیچ پرده‌ای وجه منور حق را رؤیت می‌کرد. به قول مولوی:

ما چوناییم و نوا در ما ز تست

ما چو کوهیم و صدا در ما ز تست

سمع نوعی همناوی معنوی است که در آن دف، تنبور، قانون، عود و کمانچه با نی همراهی می‌کنند. سمع شب‌هنگام در تکیه‌ای (اتاقی وسیع و نیمه‌روشن) انجام می‌شود. نوازندگان، در یک سوگرد می‌آیند و حاضران بر فرشها و پشتیها می‌نشینند. آنان تنها پس از گذشت چندین ساعت سکوت طولانی نواختن آغا؛ می‌کنند.

قدسی ارگونر

(Kudsi Erguner)

معمار و موسیقی‌شناس اهل ترکیه که خود نیز نی می‌نوازد. او مؤسس انجمن مولانا در پاریس است و در همانجا سنت صوفیان و موسیقی سنتی تدریس می‌کند. مجموعه‌ای از آهنگهای او تحت عنوان نی ترک در ۱۹۹۰ توسط یونسکو ضبط و پخش شده است.

کلام می‌کارد، سکوت درو می‌کند.

یک ضرب‌المثل فارسی

گوش دادن

سمع به معنای «گوش دادن» است. طی سماع نوازندگان گوشه‌هایی از یک «مقام» را می‌نوازند یا به بداهه‌نوازی در آن مقام روی می‌آورند. برخی از مقامها به سنتی بازمی‌گردد که در قرن هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی) رواج داشت. شکل آنها اندکی تغییر می‌کند و شنوندگان با آنها به خوبی آشنا هستند. اما هیچگاه یک نغمه به صورت یکسان تکرار و شنیده نمی‌شود.

طی سماع، از شنوندگان دعوت می‌شود که سیر و سفری روحانی در پیش گیرند. راه ماریج است و هر مرحله آن با سکوت مشخص می‌شود، گویی که استحکام جای پا، پیش از ادامه صعود، واری می‌شود. به قول مولوی «نی حدیث راه پرخون می‌کند» و جاپاها را فراهم می‌آورد. جهت را نشان می‌دهد و محیط مناسب سفر را خلق می‌کند. با هر مقام حال و هوایی خاص ایجاد می‌شود.

در آغاز سماع هیچکس نمی‌داند که سفر چگونه پایان خواهد یافت. شاید با ملاقات شادمانه‌ای با معبود؟ شاید سفری دراز در پیش نباشد، یا رهرو به ناگزیر بازگردد ... همه

نی‌زنی در یکی از روستاهای ترکیه.

چیز به «حال» (وضعیت ذهنی) شنوندگان و نوازندگان بستگی دارد. اما این دو چنان درهم تنیده‌اند که محال است بتوان گفت کدامیک بر دیگری غلبه دارد.

اصطلاح «حال» به معنای احساس مبهمی نیست که بر اثر حالتی اتفاقی ایجاد شده باشد، بلکه گویای مرتبه‌ای از اعتلاست که رهرو «پاکدل» پس از طی مرحله‌ای از ریاضت درونی بدان نائل می‌شود. اگر او در پی لقا... است، باید بر غرایز خود لگام زند بی‌آنکه سرکوبشان کند. سواری که به جای هدایت مرکب خود بدان گوش فرا دهد بخت آن نخواهد داشت که راه درازی را طی کند. به همین ترتیب، باید صداهای درونمان - شهوات - را خاموش سازیم و توان شنیدنمان را متمرکز کنیم تا دقیقتر بشنویم و به کمترین تغییر لحن حساستر و هشیارتر باشیم.

گاه سکوت شنوندگان ممکن است چنان عمیق باشد که سکوتی را که نی‌زن نرمی و نیروی نواهایش را از آن برمی‌گیرد، دوچندان سازد. در این لحظات معجزه تنفس بر همگان، نوازنده و شنونده، آشکار می‌شود. دمی که فرو می‌رود و برمی‌آید خود به‌خودی می‌نماید. در سکوتی که گویی غیرواقعی است صدای نی یادآور آن لحظه‌ای از حیات است که با هر دم و بازدم فتح می‌شود. گوش نوازنده در مکتب هماهنگی افلاک آزموده شده است. نفس او، با دیدن در نی، ضرباهنگ مداوم کیهان را کشیده‌تر می‌سازد. نی‌زن به انعکاس صدای جنبش بی‌پایان آن مبدل می‌گردد.

